

قیام‌های شیعی

مریم شاه‌حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ- مطالعات خلیج فارس، دانشگاه تهران



قیام‌های شیعی (۶۲-۱۳۲ ه‍.ق): ماهیت، سبک رهبری و شیوه‌های جلب اطاعت
نویسنده: ابوذکر کرم‌اللهی
مشخصات نشر: قم، انتشارات شیعه‌شناسی، چاپ اول، ۱۳۹۰، ۱۵۲ صفحه.

مقدمه

قیام‌های شیعی، به دنبال رحلت پیامبر اکرم (ص) و به طرفداری از حضرت علی (ع)، جانشین برحق او، شکل گرفتند. پیروان امام علی (ع) در زمان حضرت رسول (ص) مشخص و شناخته شده بودند و از سوی پیامبر، «شیعه‌ی علی» خوانده می‌شدند و به عبارتی چون «یا علی انت و شیعتک هم الفائزون» مفتخر بودند و همواره در دوران خلفا و نیز در زمان حکومت پنج‌ساله‌ی حضرت علی (ع)، در جنگ‌های جمل و صفین و نهروان ایشان را یاری می‌کردند. نمود جدی این قیام‌ها در پی واقعه‌ی جانسوز کربلا بود که تأثیری عمیق در روحیه‌ی مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، داشت. قتل امام حسین (ع) و یارانش، عواطف و احساسات اخلاقی و مذهبی مردم را برانگیخت؛ به‌ویژه آن‌هایی که امام را برای بیعت دعوت کرده بودند، اما به هر دلیل از یاری به او امتناع ورزیدند. در نتیجه، این افراد برای خونخواهی شهدای کربلا، علیه حکومت اموی به مبارزه برخاستند و قیام‌هایی را ترتیب دادند که شرح وقایع و رویدادهای آن در منابع تاریخ اسلام آمده و در بررسی‌های معاصر نیز مورد توجه قرار گرفته است.

از جمله تألیفات معاصر درباره‌ی این قیام‌ها، کتابی است با عنوان قیام‌های شیعی (۶۲-۱۳۲ ه‍.ق) ماهیت، سبک رهبری و شیوه‌های جلب اطاعت که توسط ابوذکر کرم‌اللهی، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور لرستان، با نگاه تحلیلی به رشته‌ی تحریر درآمده است. او در این پژوهش از راهنمایی اساتیدی چون دکتر حسین مفتخری، دکتر نعمت‌الله کرم‌اللهی و دکتر الویری بهره برده است.

مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی سبک رهبری و روش‌های جلب اطاعت پیروان در قیام‌های شیعی دوران حکومت امویان» نیز از همین نویسنده در فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، شماره‌ی ۴۰ (تابستان ۱۳۹۰) منتشر شده است.

هدف نویسنده

نویسنده در پیشگفتار، هدف خود را در این پژوهش، بررسی و گونه‌شناسی قیام‌های پنج‌گانه‌ی شیعی (قیام توابین، قیام مختار ثقفی، قیام زید بن علی، قیام یحیی بن زید و قیام عبدالله بن معاویه) بر مبنای مفاهیم برگرفته از مباحث جامعه‌شناسی، بیان کرده است. بنا به

در اکثر متون تاریخی، رویدادها و حوادث به صورت نقلی و توصیفی مطرح شده و جریانات تاریخی کمتر از دیدگاه مسائل اجتماعی و روانشناسی تحلیل شده‌اند

قیام‌های شیعی

با حاکمیت. در ادامه، نویسندگان انواع جنبش‌های اجتماعی (عام، خاص، اظهاری یا بیانی) را تعریف کرده، و وجوه اشتراک این جنبش‌ها (شبکه‌های تعامل غیررسمی، اعتقادات مشترک و هم‌پستگی، عمل جمعی متمرکز بر منازعات، استفاده از اعتراض) را مشخص نموده است. سپس به تفاوت جنبش اجتماعی با پدیده‌های مشابهی چون «هیجان جمعی یا جبهه»، «حزب سیاسی یا سازمان بروکراتیک» پرداخته و با بهره‌گیری از منابع جامعه‌شناختی و مباحث روان‌شناسی اجتماعی، این تفاوت‌های موجود را بررسی کرده است.

به طور کلی می‌توان این فصل را در چند بخش مقدمه، تعریف جنبش، انواع جنبش‌های اجتماعی، ویژگی‌های مشترک جنبش‌ها، تعریف ویژگی‌های رهبری، سبک رهبری و روش‌های جلب اطاعت و جمع‌بندی مورد توجه قرار داد. در واقع، نویسنده در این فصل در تلاش است از دریچه‌ی مفاهیم کلیدی مربوط به تحلیل رویدادهای تاریخی قیام‌های شیعی دوره‌ی اموی، نگاه و توجه مخاطب را جلب کند. در بخش پایانی فصل، نویسنده با ارائه‌ی جدولی با عنوان «مدل مفهومی»، مباحث چارچوب مفهومی را تنظیم کرده است (صص ۲۳-۴۹).

فصل سوم: «ماهیت قیام‌های شیعی و رویکرد آنها در قبال حکومت». نویسنده، در مقدمه، انواع گوناگون حرکت‌های جمعی را بر اساس «ماهیت» که شامل «انقلاب، انبوه خلق (crowd) (هیجان جمعی)، جنبش اجتماعی، اعتراض سیاسی، ائتلاف سیاسی، سازمان سیاسی و غیره» می‌شود، به‌طور خلاصه بررسی کرده است. سپس به طرح سه پرسش (با توجه به تعریف جنبش‌های اجتماعی و ویژگی‌های چهارگانه‌ی آن) پرداخته است:

۱. آیا می‌توان قیام‌های شیعی را از سنخ جنبش‌های اجتماعی به شمار آورد؟

۲. در صورت مثبت بودن پاسخ، هریک از آن‌ها چه نوع جنبشی‌اند؟

۳. نوع موضع و رویکرد آن‌ها در قبال تحولات جامعه چگونه بوده است؟

در ادامه، او بر پایه‌ی اطلاعات تاریخی به معرفی هر یک از قیام‌های شیعی دوره‌ی اموی (۶۲-۱۳۲ ه‍.ق) از زمان شکل‌گیری تا شکست قیام پرداخته و سپس هریک از آن‌ها را بر اساس چارچوب مفهومی تحقیق علمی، تحلیل کرده است. نویسنده با توجه به ماهیت و ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی و نیز با بهره‌گیری از تمامی مباحث مطرح‌شده

گفته‌ی نویسنده، آن‌چه این کار پژوهشی را از دیگر تألیفات در حوزه‌ی تاریخ اسلام متمایز و برجسته می‌کند، رویکرد نوین آن است که به دور از نقل صرف رویدادها، سعی در تحلیل و گونه‌شناسی قیام‌های شیعی در این محدوده‌ی زمانی (۶۲-۱۳۲ ه‍.ق) دارد.

درباره‌ی اثر

کتاب پیش رو، شامل پیشگفتار، چهار فصل، نتیجه‌گیری و کتابنامه است. در پیشگفتار، نویسنده، با بیان اهمیت واقعه‌ی کربلا در تاریخ اسلام و پیامدهای این واقعه در جامعه‌ی اسلامی، به بررسی و ارزیابی قیام‌های شیعی دوران بنی‌امیه، در چهار محور اصلی (برگرفته از مباحث جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی) پرداخته است که عبارتند از: اول، ماهیت جنبش‌های اجتماع؛ دوم، شیوه‌های تعامل رهبران قیام‌های شیعی با هواداران خود (سبک رهبری)؛ سوم، روش جلب اطاعت پیروان از سوی رهبران؛ چهارم، استراتژی مبارزاتی قیام‌ها در رویارویی با حکومت (صص ۱۳-۱۶).

فصل اول: «کلیات». در این فصل نویسنده با بیان جایگاه نهضت عاشورا در تاریخ اسلام و در ایجاد تحولات اساسی در ساختار جامعه‌ی اسلامی، آن را عامل اصلی و محرک بروز قیام‌های مردمی و حرکت‌های اعتراض‌آمیز دوره‌ی اموی می‌داند. نویسنده سعی کرده با کمک شاخص‌های جامعه‌شناختی، ماهیت جنبش‌های اجتماعی، سبک رهبری، روش جلب اطاعت پیروان و استراتژی مقابله با حکومت، به تحلیل تطبیقی قیام‌های شیعی بپردازد و تفاوت آن‌ها را برشمرد. لذا برای رفع ابهام، به‌طور خلاصه، تعریفی از «قیام‌های شیعی» بیان کرده و در ادامه با اشاره به روش پژوهش خود که شیوه‌ی اسنادی و تحقیق تاریخی است، به‌طور مفید و جامع به ارائه‌ی تعاریف گونه‌شناسی و دیدگاه‌های مطرح درباره‌ی آن پرداخته است (صص ۱۷-۲۲).

فصل دوم: «چارچوب مفهومی». نویسنده ابتدا به‌طور مختصر به شناساندن دو سطح پژوهش علمی (چارچوب نظری و چارچوب مفهومی) پرداخته که بر این اساس، موضوع اثر (قیام‌های شیعی) در قالب چارچوب مفهومی قرار می‌گیرد. سپس به‌طور مفصل به تشریح مباحث جامعه‌شناسی در زمینه‌ی جنبش‌های اجتماعی پرداخته که عبارتند از: تعریف و ویژگی‌های جنبش، وجوه اشتراک و افتراق آن با دیگر حرکت‌های جمعی، انواع جنبش و راهبرد جنبش‌ها در رویارویی

در فصل دوم، سعی کرده ماهیت قیام‌ها را از منظر آن مفاهیم، تحلیل و بررسی کند و به سؤالات مطرح‌شده در این باره، پاسخ دهد. نویسنده بعد از بررسی ماهیت جنبش اجتماعی هر یک از قیام‌ها، برخورداری آن‌ها از آموزه‌ها و شعارهای مشترک را مطرح کرده است. برای نمونه، درباره‌ی قیام تَوَائین، به ذکر شعار «یا لثارات الحسین» پرداخته که البته هر یک از این شعارها، به نحوی بیانگر مسائل مربوط به جامعه‌ی اسلامی روزگار خود است. به این ترتیب، نویسنده ابتدا به طور خلاصه، قیام‌ها را بر اساس منابع تاریخی معرفی کرده و بعد از مشخص نمودن ماهیت جنبش اجتماعی هر یک از این قیام‌ها، ویژگی‌های آن‌ها را مورد تحلیل قرار داده است (صص ۵۱-۱۰۸).

فصل چهارم؛ «سبک رهبری و روش‌های جلب اطاعت پیروان». در آغاز فصل، نویسنده با اشاره به مباحثی که قصد دارد در این فصل به آن بپردازد، درباره‌ی رهبری (رهبران تبدیلی، رهبران تبادل) و سبک آن‌ها در جلب حمایت و همراهی پیروان و هدایت آن‌ها در هر یک از این قیام‌ها، توضیح داده و با کمک گفتار، نوشتار و عملکرد رهبران این قیام‌ها، شیوه‌ی رهبری را ارزیابی کرده است. به همین منظور، اظهارات مختلف را به نقل از رهبران قیام تَوَائین (سلیمان بن صرد خزاعی)، قیام مختار، قیام زید بن علی، قیام یحیی بن زید و قیام عبدالله بن معاویه آورده است. در بخش دوم این فصل، نویسنده به طور گذرا، مفاهیم مربوط به روش‌های جلب اطاعت پیروان را جهت یادآوری ذکر کرده و در ادامه، به بررسی و تحلیل چگونگی تعامل رهبران قیام‌ها با پیروان خود پرداخته است (صص ۱۰۹-۱۴۰).

در بخش نتیجه‌گیری، نویسنده با بیان هدف یا پرسش اصلی خود از انجام این پژوهش که همانا گونه‌شناسی قیام‌های شیعی دوره‌ی بنی‌امیه بر پایه‌ی متغیرهای ماهیت قیام، سبک رهبری و جلب اطاعت پیروان است، برداشت کلی خود را از پژوهش در این باره مطرح می‌کند و سعی دارد چارچوبی مفهومی در سطح نظری پژوهش ارائه دهد. در پایان، نتایج حاصل از بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های این قیام‌ها را در قالب یک جدول نمایانده است (صص ۱۴۱-۱۴۸).

اهمیت اثر

کتاب حاضر به لحاظ استفاده از منابع دست‌اول تاریخ اسلام هم‌چون تاریخ طبری، الکامل ابن اثیر، مقاتل الطالبین و دیگر کتب تاریخی معتبر و نیز بهره‌گیری از منابع جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، اثری قابل توجه است؛ به‌ویژه آن‌که، ماهیت قیام‌ها در تطابق با مباحث و مفاهیم علوم اجتماعی، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. کتاب قیام‌های شیعی (۶۲-۱۳۲ هـ)؛ ماهیت، سبک رهبری و شیوه‌های جلب اطاعت اثری میان‌رشته‌ای است که با بیان مفاهیم اجتماعی مرتبط با موضوع اثر، که همانا بررسی قیام‌های شیعی در دوره‌ی اموی است، توانسته الگوی جدیدی را در زمینه‌ی مطالعات تاریخی به دیگر محققان علاقه‌مند ارائه دهد. از آن‌جا که در اکثر متون تاریخی، رویدادها و حوادث به صورت نقلی و توصیفی مطرح شده و جریانات تاریخی کم‌تر از دیدگاه مسائل اجتماعی و روانشناسی تحلیل شده‌اند، در این اثر نویسنده به طور گذرا به معرفی قیام‌های مورد بحث پرداخته و

بیش‌تر ماهیت و جایگاه قیام‌ها را از منظر مفاهیم جامعه‌شناسی تحلیل کرده است.

نکته‌ی قابل توجه این‌که به نظر می‌رسد این اثر در قالب کار پژوهشی «پایان‌نامه» ارائه شده، زیرا نویسنده در هر فصل، ابتدا مقدمه‌ای درباره‌ی موضوعی که قرار است به آن پرداخته شود، آورده و سپس مطالب اصلی را بیان کرده است. در بخش کتابنامه، منابع طبقه‌بندی نشده‌اند و در معرفی آن‌ها نظم و ترتیب لازم رعایت نشده است. بهتر بود که منابع عربی و فارسی، از هم مجزا و به ترتیب حروف الفبایی آورده می‌شد. نکته‌ی دیگر این‌که نویسنده به جای استفاده از شیوه‌ی ارجاع درون‌متنی، بهتر بود اصول ارجاع‌نویسی معمول در تألیف کتاب را رعایت می‌کرد.

نتیجه

در وقوع هر قیام و جنبش اعتراض‌آمیز، دو نوع انگیزه را که نقش مهمی در آن دارند، می‌توان برشمرد: انگیزه‌ی درونی و نفسی، و انگیزه‌ی بیرونی و خارجی. بر این اساس، با توجه به آن‌چه در کتاب آمده، درباره‌ی قیام‌های شیعی دوران اموی می‌توان چنین نتیجه گرفت: قیام تَوَائین که با اخلاص و انگیزه‌ی درونی و به دور از زویندهای سیاسی، توسط گروهی از شیعیان در راستای مخالفت با اقدامات امویان در ماجرای عاشورا شکل گرفت، ماهیتی ضدحکومتی داشت و با انگیزه‌ی خونخواهی از شهدای کربلا بر پا شده بود. هم‌فکران و هواداران این قیام، افرادی مؤمن و معتقد به مکتب اهل بیت (ع) بودند که زیر فشار

وجدان و نفس‌لواحه‌ی خود، دست به این عمل خالص زدند. قیام مختار در حالی شکل گرفت که سه جریان در جامعه‌ی اسلامی در حال وقوع بود: یکی، جریان حزب اموی که سردمداران آن در کوفه، عمر بن سعد و شُبَیْث بن رُبِیع و شمر بن ذی‌الجوشن بودند. دوم؛ جریان زیرپایان که در کوفه و بصره حکومت داشتند و فرماندهی آن‌ها با عبدالله بن زبیر بود. سوم؛ جریان تَوَائین به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی. قیام مختار، قیامی کاملاً مردمی بود و پیروان آن، به جز عده‌ی کمی، همه از قشر محروم و مستضعف موالی بودند. اهمیت قیام مختار از آن روست که پشتوانه‌ی مذهبی متقنی داشت.

قیام زید بن علی، شباهت زیادی با قیام امام حسین (ع) داشت؛ هم به لحاظ ترکیب نیروها که افرادی از قشرهای مختلف از شیعه و سنی بودند و هم این‌که این قیام از زبان پیشوایان معصومی چون امام صادق (ع) و امام رضا (ع) تأیید شده بود و با هدف مبارزه با ظلم و جور و طرفداری از مظلومان و مستضعفان شکل گرفت. این قیام هرچند به لحاظ نظامی به شکست انجامید، اما از بُعد عقیدتی و سیاسی، زمینه‌ی سقوط حکومت اموی را فراهم کرد. قیام یحیی بن زید نیز در ادامه‌ی قیام پدرش زید بود و به طور کلی این دو قیام، روند تأثیربخشی نهضت عاشورا را تسریع بخشیدند. آخرین قیام، قیام عبدالله بن معاویه است که همانند دیگر قیام‌ها متأثر از عاشورا بود. این قیام در پی سرکوب قیام‌های پیشین شیعیان و در فضایی پر از تضاد و شکاف در جامعه‌ی اسلامی وقوع یافت و توانست با شعار «الرضا من آل محمد» ناراضیان حکومت اموی را گرد هم آورد و زمینه‌ی اعتراض جمعی آن‌ها را فراهم کند.

نهضت
۱۵ خرداد
۱۳۴۲

